

جوانی از بیکاری رفت باغ وحش پرسید: استخدام دارید؟

یارو گفت مدرک چی داری؟

گفت: دیپلم.

یارو گفت: یه کاری برات دارم، حقوقشم خوبه پسره قبول کرد.

یارو گفت: ما اینجا میمون نداریم میتونی تا میمون برامون میاد بری توی پوست میمون و تو قفس نقش میمون بازی کنی.

چند روزی گذشت. یه روز جمعه که شلوغ شده بود، پسره توی قفس پشتک وارو میزد. از میله ها بالا پایین می رفت. جوگیر شد زیادی رفت بالای درخت. از اون طرف افتاد تو قفس شیر.

داد زد کمک.

شیره دستشو گذاشت رو دهنش و گفت: آبرو ریزی نکن من لیسانس دارم.